



A Comparative Study of Responsibility Distribution in "Participation in Crime" and the "Theory of Symmetrical Interaction"

Mahdieh Maali¹ | Abolfazl Alishahi Ghalehjoughi²

1. PhD Student in Jurisprudence and Criminal Law, Shahid Motahari University, Tehran, Iran.
Email: eng.um.maali@gmail.com
2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Theology Education, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: a.alishahi@cfu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Received: 27 August 2024
Revised: 26 May 2025
Accepted: 13 July 2025
Available Online: 4 August 2025

Keywords

Participation in Crime,
Theory of Symmetrical
Interaction, Proportional
Liability, Degree of Fault,
Degree of Impact.



Abstract

In some instances of involvement in a crime, the victim themselves also plays a role in the occurrence of the crime, such that they are both a perpetrator and a victim. This situation, termed "participation in crime," is referred to in Articles 526 and 527 of the 1392Sh Islamic Penal Code, where the legislator has, in a way, accepted comparative fault. Subsequently, in the 1399SH draft bill, the theory of proportional liability has been accepted more broadly. However, it seems that even if their actions and degree of fault are completely similar, differences still exist between the perpetrator and the victim (who has committed a crime against themselves). Therefore, the research question is: Can the "infliction of crime upon oneself" by the victim alongside the perpetrator(s) affect how responsibility is distributed? In other words, in the case of participation in crime, if the degree of fault of the parties is equal, should the liability (*damān*) be divided equally, or, given that one of them has committed a crime against themselves and the other against someone else, are they subject to different levels of responsibility? The placement of these articles in the Penal Code under the title "Causes of Liability" links it to civil liability, and specifically in the case of participation in crime, it becomes connected to the "Theory of Symmetrical Interaction," which considers the role of the victim. Based on the findings of this research, the act of committing the crime by the victim has characteristics that, from the perspective of economic approaches to crime including cost-benefit logic, the level of blameworthiness from the viewpoint of ethical theories, the perpetrator's motives, the degree of fault based on endangering oneself or others, and similar factors affect the determination of the degree of fault.

Cite this article: Maali, M., Alishahi Ghalehjoughi, A. (2024). A Comparative Study of Responsibility Distribution in "Participation in Crime" and the "Theory of Symmetrical Interaction". *Criminal Law Doctrines*, 21(28), 241-266. <https://doi.org/10.30513/cld.2025.6109.2001>



© The Author(s). Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



مطالعه تطبیقی چگونگی توزیع مسئولیت در «اشتراک در جنایت» با «نظریه تعامل متقارن»

✉ مهدیه معالی^۱ | ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی^۲

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران. رایانامه: eng.um.maali@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: a.alishahi@cfu.ac.ir

چکیده

در برخی از صور مداخله در جنایت، مجنی علیه خود نیز در وقوع جنایت نقش دارد، به گونه ای که هم جانی است و هم زیان دیده. به این وضعیت که «اشتراک در جنایت» نام دارد، در مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ قانون مجازات ۱۳۹۲ اشاره گردیده و قانونگذار به نوعی پذیرای تقصیر سهمی شده و بعد در پیش نویس لایحه ۱۳۹۹، نظریه ضمان سهمی به صورت عام تری پذیرفته شده است. با این حال، به نظر می رسد حتی در صورت مشابهت کامل فعل و میزان تقصیر ایشان، همچنان میان جانی و مجنی علیه (که جنایتی بر خود وارد کرده است) تفاوت هایی هست. لذا مسئله پژوهش این است که آیا «ایراد جنایت بر خود» توسط مجنی علیه در کنار جانی/جانیان دیگر، می تواند بر چگونگی توزیع مسئولیت اثرگذار باشد؟ به دیگر سخن، در فرض اشتراک در جنایت، اگر میزان تقصیر طرفین مساوی باشد، ضمان باید بالسویه تقسیم گردد یا به لحاظ این که یکی از آن ها بر خود جنایت وارد کرده و یکی بر دیگری، میزان متفاوتی از مسئولیت متوجه آن هاست؟ قراگیری این مواد در قانون مجازات تحت عنوان موجبات ضمان، آن را با مسئولیت مدنی پیوند داده است و در فرض اشتراک در جنایت به طور مشخص با «نظریه تعامل متقارن» که در آن به نقش زیان دیده توجه می شود مرتبط می گردد. بنابر نتایج این پژوهش، خود ارتکاب جنایت توسط مجنی علیه خصوصیات دارد که به لحاظ نگرش های اقتصادی به جرم از جمله منطق هزینه-فایده، سطح سرزنش پذیری از منظر نظریات اخلاقی، انگیزه های مرتکب، میزان تقصیر بر اساس به خطر انداختن خود یا دیگران و مواردی از این دست، بر تعیین میزان تقصیر اثرگذار است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳

کلیدواژه‌ها

اشتراک در جنایت، نظریه تعامل متقارن، ضمان سهمی، میزان تقصیر، میزان تأثیر.



استناد: معالی، مهدیه؛ علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل. (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی چگونگی توزیع مسئولیت در «اشتراک در جنایت» با «نظریه تعامل متقارن». آموزه های حقوق کیفری، (۲۸/۲)، ۲۶۶-۲۴۱. <https://doi.org/10.30513/cld.2025.6109.2001>



مقدمه

وجود رابطه استنادی یعنی ملازمه عرفی بین فعل مرتکب و نتیجه مجرمانه، به طوری که بتوان نتیجه را منبعث از فعل فاعل دانست، از ارکان مهم جرائم به شمار می‌رود، هرچند در خصوص این‌که به رکن مادی برمی‌گردد یا رکن روانی، حقوق دانان اختلاف دارند (آقای نیا، ۱۴۰۲، ص ۷۵؛ منصورآبادی، ۱۴۰۲، ص ۳۰۶). نظرات ایشان همچنین در خصوص این‌که احراز این رابطه در تمام جرائم لازم است یا خیر مختلف است. با این حال، عده‌ای به درستی احراز این رابطه را در تمام جرائم اعم از مطلق، مقید، عمدی، غیرعمدی، موجب حد، قصاص، دیه، تعزیر و ... ضروری می‌دانند (مرادی، ۱۳۹۶، ص ۸۱). صرف نظر از دشواری‌هایی که در احراز رابطه استنادی وجود دارد و در برخی موارد، تشخیص را حقیقتاً با مشکل مواجه می‌سازد، این رابطه اقسامی دارد که از گذشته تاکنون به مناسبت موادی از قانون مجازات اسلامی را به خود اختصاص داده است. اقسام این رابطه را می‌توان در سه دسته مباشرت اعم از مباشرت واحد و اجتماع مباشرین، اجتماع اسباب اعم از طولی یا عرضی آن و نیز اجتماع سبب و مباشر جای داد.

در میان حالات مداخله گاه شرایطی هست که مجنی علیه نیز سهمی از جنایت را به عهده دارد، یعنی همزمان هم جانی است و هم مجنی علیه، به طوری که جنایت وارده حاصل فعل خود او و غیر است. به چنین حالتی «اشتراک در جنایت» گفته می‌شود. برای بررسی این فرض پیش از هر چیز باید به تفاوت آن با «شرکت در جرم» و «شرکت در جنایت» توجه نمود، چراکه شرکت در جرم عبارت است از مداخله دو یا چند نفر در عنصر مادی جرم، به طوری که آن جرم معلول مداخله این افراد باشد و به همه آن‌ها مستند شود. در شرکت در جرم، عمدی بودن فعل طرفین و حتی داشتن تبانی (مطابق ماده ۱۲۵ ق.م.ا) شرط است، درحالی‌که در شرکت در جنایت فقط انتساب مهم است و فعل طرفین خواه هر دو عمد باشد خواه غیرعمد و خواه برخی عمد و برخی غیرعمد، شریک در جنایت محسوب می‌شوند (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۸۴).

این پژوهش از پیشینه نسبتاً غنی برخوردار است. در پایان نامه «تحولات تقسیم مسئولیت مدنی در تصادفات رانندگی»، مواردی از تصادفات رانندگی که در آن تقسیم مسئولیت مدنی صورت می‌گیرد و به علاوه چگونگی این تقسیم بررسی شده است (محمدی کمرخ، ۱۳۹۴). در پایان نامه «مسئولیت کیفری نسبی در صورت اجتماع اسباب»، با تأکید بر دشواری تشخیص مسئول در فرض تعدد اسباب، چگونگی توزیع مسئولیت کیفری در فرض اجتماع اسباب مطرح

شده و نظریات مختلف در این خصوص نقد و بررسی گردیده است (موی کشکی، ۱۳۹۷). در رساله دکتری «میزان مسئولیت‌های حقوقی در تعدد اسباب»، ضمن بررسی دو نظریه توزیع مساوی و توزیع نسبی مسئولیت، رویکرد قانون مجازات در پذیرش هر یک از این دو نظریه در صور مختلف تعدد اسباب به بحث نهاده شده است (محمدی، ۱۳۹۷). در پایان‌نامه «تحولات رابطه استنادی در حقوق کیفری ایران با تأکید بر پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی»، به تحولات قوانین کیفری در خصوص رابطه استنادی دقت گردیده و بعد از تبیین رویکرد مقنن در سال‌های ۱۳۶۱، ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲، به تغییرات این رویکرد در پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی و مهم‌ترین تغییر آن یعنی پذیرش نظریه تسهیم (توزیع مسئولیت بر حسب میزان تأثیر رفتار مداخله‌کنندگان) در تمام صور رابطه استنادی اشاره شده است (بختیاری، ۱۳۹۹). در پایان‌نامه «بررسی میزان ضمان راننده در رابطه با آسیب‌های بدنی ناشی از تصادفات»، با بررسی مبنای فقهی ضمان راننده در حوادث ناشی از سوانح رانندگی، به میزان مسئولیت مقصر در این حوادث از منظر قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی پرداخته شده است (حسینی، ۱۳۹۹). به رغم پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه، همچنان نقاط ابهامی بر آن‌ها سایه افکنده است. این موضوع که قانون‌گذار در پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی، ضمان سهمی را در همه اقسام رابطه استنادی پذیرفته است جای خشنودی دارد. با این حال، برای نزدیک شدن هر چه بیشتر به عدالت همچنان باید تلاش‌هایی انجام شود. برای مثال، در فرض پذیرش ضمان سهمی در اشتراک در جنایت، در صورتی که جانی و مجنی‌علیه که خود به نوعی جانی هم محسوب می‌شود، مشترکاً مرتکب جنایتی شوند و تمام عناصر در فعل آن‌ها یکسان باشد، پذیرش ضمان سهمی اقتضا می‌کند که ضمان طبیعتاً بالسویه میان آن‌ها تقسیم شود. این در حالی است که به نظر می‌رسد حتی در صورت مشابهت کامل فعل و میزان تقصیر ایشان، همچنان میان جانی و مجنی‌علیه که جنایتی بر خود وارد کرده است، تفاوت‌هایی وجود دارد. به عبارت ساده‌تر، اگر ۱۰ قطره سم برای مرگ شخصی لازم باشد، ۵ قطره از آن را الف در غذا ریخته و ۵ قطره را ب بریزد و سپس الف غذا را بخورد و بمیرد، نمی‌توان به سادگی نتیجه گرفت که این دو مسئولیت یکسانی دارند، زیرا نفس مجنی‌علیه بودن باتوجه به برخی ملاحظات، دارای خصوصیتی است که می‌تواند بر نقش او در تحقق جرم تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر، گاه در مثال فوق، ب مسئولیت کامل نگهداری از الف را بر عهده دارد و در این

صورت، اساساً مسئولیتی متوجه الف نمی‌شود. علاوه بر این‌ها مثال‌های متعددی وجود دارد که به نظر می‌رسد صرفاً پذیرش ضمان سهمی و عبور از کنار آن، تمام آنچه باید در تقسیم مسئولیت صورت پذیرد نیست. به این ترتیب، اگر نخستین گام را پذیرش ضمان سهمی بدانیم، گام بعدی تعریف معیاری مناسب برای تعیین میزان مسئولیت بر اساس میزان تأثیر است. هرچند این‌که ملاک را «میزان تأثیر» بدانیم یا «میزان تقصیر»، خود پرسشی مهم است. البته ارائه چنین معیاری نیازمند پژوهش‌های گسترده است. بر این اساس، مسئله پژوهش حاضر تنها توجه به این نکته است که آیا «ایراد جنایت بر خود» توسط مجنی علیه در کنار جانی/جانیان دیگر، می‌تواند بر چگونگی توزیع مسئولیت اثرگذار باشد؟ به دیگر سخن، در فرض اشتراک در جنایت، اگر میزان تقصیر طرفین مساوی باشد، ضمان باید بالسویه تقسیم گردد یا به لحاظ این‌که یکی از آن‌ها بر خود جنایت وارد کرده و یکی بر دیگری، میزان متفاوتی از مسئولیت متوجه آن‌هاست؟

فرض گفته شده یعنی اهمیت شخصیت مرتکب اعم از مجنی علیه بودن یا نبودن در تعیین میزان مسئولیت، در کنار این نکته که این مسئولیت تحت عنوان موجبات ضمان مطرح شده است و به مباحث مسئولیت مدنی مربوط می‌شود، با «نظریه تعامل متقارن» که بیشتر در مسئولیت مدنی مطرح است، پیوند برقرار می‌کند، زیرا در این نظریه، صحبت از مسئولیت زیان دیده و خواننده است. لذا در این پژوهش، در نخستین گام دیدگاه‌های فقهی و نیز رویکرد حقوق کیفری ایران نسبت به چگونگی توزیع مسئولیت در اشتراک در جنایت بیان می‌شود. پس از آن، با روشن تر شدن حدود و ثغور بحث، در گام بعد نظریه تعامل متقارن و ایرادات وارد بر آن تبیین می‌گردد و تلاش می‌شود به صورت تطبیقی و با نگاه نقادانه به این نظریه و توزیع مسئولیت در اشتراک در جنایت نگریسته شود تا مشخص گردد با وجود شباهت‌هایی میان این دو مقوله، چطور می‌توان از ایرادات وارد بر نظریه مذکور کمک گرفت تا معیاری دقیق‌تر در توزیع مسئولیت اشتراک در جنایت ارائه کرد. بر این اساس، هرچند بررسی فقه امامیه، حقوق ایران و نظریه تعامل متقارن به صورت مجزا تنظیم شده است، اما هدف از این تفکیک، تسهیل تطبیق نهایی در بخش تحلیل تطبیقی بوده است که در ادامه به شیوه‌ای مزجی بهره‌برداری شده است. نظر به اهمیت نظریه تعامل متقارن در تحلیل نهایی مقاله، در بخشی مجزا چستی، مصادیق و برخی نقدهای وارد بر این نظریه بررسی گردیده است تا مبنایی روشن برای تحلیل

تطبیقی در نتیجه‌گیری فراهم آید. لذا ساختار مقاله به‌گونه‌ای تنظیم شده است که ابتدا دیدگاه‌های سه‌گانه (فقه، حقوق ایران و نظریه تعامل متقارن) به صورت پایه‌ای تبیین گردد و سپس در بخش نتیجه‌گیری، جنبه‌های مختلف مسئولیت کیفری به طور یک جا و مقایسه‌ای تحلیل شود.

۱. دیدگاه فقه امامیه نسبت به چگونگی توزیع مسئولیت در اشتراک در جنایت

۱-۱. ادله نقلی

در باب اشتراک در جنایت مسائلی در کتب فقهی مطرح شده است که فقها بر مبنای روایات، طرفین را بالسویه ضامن می‌دانند، اعم از این که میزان تقصیر یا میزان تأثیر فعل آن‌ها برابر یا متفاوت باشد. مسائل پرتکرار در این باره عبارت‌اند از:

■ نخست: چند نفر مشارکتاً در تخریب دیواری همکاری کنند و دیوار روی یکی از آن‌ها بریزد و او کشته شود. در این صورت، دیه بدون در نظر گرفتن نقش افراد در حادثه، میان همه تخریب‌گران از جمله مقتول به تساوی توزیع می‌شود (ابن جنید، ۱۴۱۶، ص ۳۵۸؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۷۷؛ فاضل آبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۴۱؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۶۷۵؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۷۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۶۵؛ حسینی عاملی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۴۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۳۹۲؛ نجفی، ۱۴۱۲، ج ۴۳، ص ۱۱۰؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۱۹۷؛ خویی، ۱۴۲۲ الف، ج ۲، ص ۳۰۱؛ مدنی کاشانی، ۱۴۰۸، ص ۹۸؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۱۴۶).

■ دوم: ده نفر با هم ریسمان منجینق را بکشند و سنگی را پرتاب کنند و سنگ روی یکی از آن‌ها بیفتد و بمیرد. در این صورت نیز افراد بالسویه ضامن‌اند، لذا شخص از یک‌دهم دیه که سهم خود در جنایت است محروم می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۳۳؛ نجفی، ۱۴۱۲، ج ۴۳، ص ۱۰۸؛ تبریزی، ۱۴۲۸، ص ۹۰).

■ سوم: در تصادم دو شخص پیاده، دو کشتی یا دو حیوان و راکبین آن‌ها، فقها صرف نظر از شدت و ضعف اسباب، قائل به تساوی در مسئولیت‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۳۹-۳۴۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۶۲؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۳۹۲؛ نجفی، ۱۴۱۲، ج ۴۳، ص ۶۳-۶۸). در خصوص تصادم دو وسیله نقلیه نیز حتی اگر میان جنس، قوت و ضعف و شدت حرکت آن‌ها تفاوت وجود داشته باشد، هر یک ضامن نصف خسارت طرف مقابل است (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۳۵).

■ چهارم: اگر دو شخص طنابی را بکشند و طناب پاره شود و یکی از آن‌ها در اثر سقوط بمیرد، همانند مورد تصادم هر دو بالسویه ضامن‌اند (حسینی عاملی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۴۰؛ فاضل‌هندی، ۱۳۱۶، ج ۱۱، ص ۲۸۶-۲۹۵).

پنجم: در مسئله معروف به «زُبیه» که شخصی در حفرة مربوط به شکار شیر می‌افتد و هنگام افتادن، فرد دیگری را می‌گیرد و او نیز فردی دیگر را، و به این ترتیب همه در آن حفرة کشیده می‌شوند و می‌میرند، فقها بر اساس قضاوتی از امیرالمؤمنین (ع)، نظر به تساوی مسئولیت دارند^۱ (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۸۹؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۲۷۵).

طبق بررسی‌ها استدلال فقها بر حکم به مسئولیت بالسویه، از منظر ادله نقلی چنان بر روایات مستحکم است که از این جهت، قابل خدشه به نظر نمی‌رسد، تا جایی که برخی اشکالات در این خصوص از جمله این‌که روایات وارده در باب تنها اختصاص به فرض تساوی شرکا در فعل دارند، تنها مختص به قتل عمدند، به موارد عدم تعیین نسبت تأثیر مربوط می‌شوند، در فرض تفاوت در تأثیر مطلق نیستند و یا این‌که با سایر روایات در تعارض‌اند، همگی قابل پاسخ‌گویی‌اند و از این جهت، راه‌گزینی از دلالت آن‌ها بر حکم به تساوی وجود ندارد (محمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۱-۱۴۰).

۱-۲. ادله تحلیلی

از منظر ادله تحلیلی نیز به قواعدی تکیه شده است، برای مثال:

الف) قاعده عدل و انصاف

در تمسک به «قاعده عدل و انصاف» مطابق یک تبیین گفته شده است که در مقام توزیع مال مشتبّه، اقتضای عدل و انصاف توزیع مساوی حقوق و اموال میان مدعیان است (حلی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۶۲؛ خوئی، ۱۴۲۲، ب، ج ۱، ص ۶۵۴؛ صدر، ۱۴۰۸، الف، ص ۲۶۶؛ نائینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۶۸۰؛ کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۱۰۵؛ مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۱۶۳). سپس از قیاس مالکیت مال با ضمان نسبت به خسارت، نتیجه گرفته‌اند که مسئولیت می‌بایست به نحو مساوی میان افرادی که مسئولیت آن‌ها مشتبّه است توزیع شود. با این حال، به نظر می‌رسد نگاه دوباره به مسئله نشان می‌دهد که معتبر دانستن تأثیر و تقصیر به عدل و انصاف نزدیک‌تر است. مضافاً بر این‌که طبق برخی دیدگاه‌ها، مقتضی در موارد اتلاف مال مشتبّه، توزیع خسارت میان طرفین

۱. البته روایت متفاوتی از اسمع بن عبدالملک در این مسئله هست که فقها آن را به دلیل ضعف سند کنار نهاده‌اند.

به نسبت مال آن‌هاست (روحانی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۲۸۱)، چنان‌که برخی روایات نیز به نوعی مؤید این دیدگاه‌اند^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۲۱؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲-۸). از سوی دیگر، برخی اصولیان این قاعده را تنها در فصل خصومت و حکومت معتبر دانسته‌اند و منکر عمومیت آن می‌شوند (صدر، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۴۰).

ب) قاعده الواحد

از دیگر مستندات قول به تساوی مسئولیت، «قاعده الواحد» است، با این توضیح که هنگام مشارکت دو نفر در متلف واحد، در حقیقت متلف به عنوان واحد اعتباری ضامن است و چون این واحد اعتباری با مشارکت دو نفر پدید آمده است، هر کدام باید ضامن نصف خسارت باشند (کمپانی، ۱۴۰۹، ص ۲۴۴). اما استناد به این قاعده که قاعده‌ای عقلی است، در مسائل عرفی ناصواب است و از طرفی، این قاعده مستندی برای اثبات وحدت صادر نخستین بوده و نزد فقها ناتمام است (خوئی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۲۳). افزون بر این اشکالات نیز باید گفت در اشتراک در جنایت استناد به این قاعده با مشکل مواجه می‌شود، زیرا در چنین فرضی، کسی ضامن خود یا مال خود نیست. در نتیجه، انتساب واحد اعتباری به مجنی علیه قابل توجیه نیست و به همین دلیل برخی فقها شمولیت این قاعده در اشتراک در جنایت را دارای اشکال ثبوتی می‌دانند (کمپانی، ۱۴۰۹، ص ۲۴۴).

ج) قاعده اتلاف

وجود این اشکالات موجب شد تا «قاعده اتلاف» مستند حکم به تساوی در مسئولیت قرار گیرد، با این بیان که موصول در «من أتلف» عمومیت دارد و شامل انفراد و اشتراک متلف می‌شود. به این ترتیب، عنوان «من أتلف بالاشتراك» بر هر کدام از شرکا صادق بوده و هر کدام مستقلاً ضامن است. حال، در فرض مشارکت در حصول زیان، چون عنوان بر چند نفر صادق است، خسارت میان آن‌ها مساوی تقسیم می‌شود، زیرا «من أتلف» بر هر یک از عاملین صدق می‌کند و از این جهت، تفاوتی میان آن‌ها نیست (کمپانی، ۱۴۰۹، ص ۲۴۴). شاید این استدلال در نگاه اول وجیه به نظر برسد، اما صحت آن در صورتی است که قاعده منصوب باشد، حال

۲. محمد بن علی بن الحسین یاسناده عن الحسین بن أبی العلاء عن إسحاق بن عمار قال: قال أبو عبد الله (ع) فی الرجل یبضع الرجل ثلاثین درهماً فی ثوب وآخر عشرین درهماً فی ثوب، فبعث الثوبین ولم یعرف هذا ثوبه ولا هذا ثوبه، قال: یباع الثوبان فیعطى صاحب الثلاثین ثلاثة أخماس الثمن، والآخر خمسی الثمن. قلت: فإن صاحب العشرين قال لصاحب الثلاثین: اختر أيهما شئت. قال: قد أنصفه.

آن‌که برخی نظرات این قاعده را اصطیادی می‌دانند (خوئی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ص ۴۵؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۹۴). از طرفی با پذیرش این نکته که عنوان «متلف» بر همه شرکا صدق می‌کند، باید دقت داشت توزیع مساوی مسئولیت بر فرضی استوار است که افراد در حدوث زیان نیز مساوی باشند. لذا اگر سهم هر عامل در ایجاد زیان مشخص باشد، هر کس مسئول عمل خودش خواهد بود، همان‌طور که «قاعده وزر» بر این امر دلالت دارد (مصطفوی، ۱۴۲۶، ج ۱۳، ص ۹۴). بر این اساس، نهایت چیزی که از قاعده اتلاف به دست می‌آید اشتراک در مسئولیت است و هنگامی که قاعده وزر به کمک آن می‌آید، نتیجه این می‌شود که مسئولیت بر اساس میزان تأثیر فعل هر کدام از عاملین توزیع شود تا کسی سنگینی فعل دیگری را به دوش نکشد. واضح است که این تحلیل زمانی امکان اجرا دارد که تشخیص میزان تأثیر فعل هر یک از عاملان ممکن باشد. از این نکته شاید بتوان نتیجه گرفت که علت عدم اعتبار میزان تأثیر در کلام فقها همین مشکل در تشخیص بوده باشد.

البته باید توجه نمود که توزیع سهمی مسئولیت در فقه چندان هم بی سابقه نیست. رویکردی در بیان فقه‌های معاصر با معتبر شمردن «قدر عمل»، میزان تأثیر را در توزیع مسئولیت مطرح می‌کند، چنان‌که گفته‌اند: «اگر دو شخص شریک بودند در حفر چاه در غیر ملک، هر دو ضامن هستند با توزیع دیه به قدر عمل هر کدام» (بهجت فومنی، ۱۳۸۵، ص ۳۷۶). در جای دیگر نیز به مناسبتی برای تعیین میزان مسئولیت کارگر و کارفرما میزان تقصیر را ملاک عمل قرار می‌دهند (صانعی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۸۱). با این حال، پژوهش حاضر صرفاً درصدد بررسی اشتراک در جنایت است که در این خصوص اکثریت قریب به اتفاق فقه‌های معاصر در پاسخ استفتائاتی که از ایشان شده است، صریحاً مسئولیت هر یک از طرفین را به میزان تقصیر آنان مرتبط می‌دانند (قدسی و نوروزی، ۱۳۹۶، ص ۳۹-۴۰). از طرفی، چنان‌که گفته شده است، حتی با عبور از نظریه تساوی مسئولیت و پذیرش توزیع سهمی آن، این‌که ملاک باید میزان «تأثیر» باشد یا میزان «تقصیر»، خود امری است علی‌حده که بررسی آن پژوهش مستقلاً می‌طلبد، زیرا میزان تأثیر ناظر به سهم هر یک از اسباب در ایجاد خسارت و میزان تقصیر ناظر به زیان و خسارت واقعی است (صفایی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۵۶۸). هرچند این دو ملاک گاه در ادبیات حقوقی به جای هم به کار می‌روند، اما حقیقت آن است که این دو واقعاً با هم متفاوت‌اند، چراکه ممکن است فردی علی‌رغم تقصیر کم، جنایت زیادی را به بار آورد و یا بالعکس فردی با تقصیر شدید،

تأثیر کمی بر جنایت داشته باشد. به نظر می‌رسد قانون مجازات اسلامی ملاک را میزان تأثیر می‌داند. با این حال، هر یک از این دو ملاک که انتخاب شوند، نسبت به نظریه تساوی از وجاهت بیشتری برخوردارند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۳۸۳).

یکی از حقوق دانان هنگام بحث از شرکت مجنی علیه با جانی در جنایت، ضمن توجه به این حالت مثالی را ذکر می‌کند مبنی بر این که مجنی علیه پس از مجروح شدن، با استفاده از دارویی سمی، مداوای جرح خویش را اراده کند و اتفاقاً به سبب آن سم و جرح بمیرد. در این صورت ایشان معتقد است: «آنچه در مقابل فعل مجنی علیه ایجاد می‌گردد ساقط است، زیرا خود وی عامل وجود آن است». از این جمله نه تنها میزان تقصیر برداشت می‌شود، بلکه حتی می‌توان آن را با میزان تأثیر هم به نوعی مرتبط دانست. با این حال، جالب است که ایشان بلافاصله پس از این جمله به فتوای برخی فقها استناد کرده است و قائل به ضمان مساوی می‌شود و می‌نویسد: «ولئى دم بعد از رد نصف ديه مى تواند جانی را قصاص نماید» (صادقی، ۱۴۰۱، ص ۲۳۴). مطالب مطرح شده در فقه امامیه مبنایی ارزشمند برای مقایسه با دیدگاه‌های حقوقی و نظریه تعامل متقارن فراهم می‌سازد که در بخش‌های بعدی بررسی تطبیقی خواهد شد.

۲. رویکرد حقوق کیفری ایران نسبت به چگونگی توزیع مسئولیت در اشتراک در جنایت

در میان حالات شرکت در جنایت، مفهوم اشتراک در جنایت، مطابق تعریفی که گذشت، می‌تواند به صورت اجتماع مباشرین، اجتماع اسباب و یا اجتماع سبب و مباشر مصداق یابد. مواد قانون مجازات اسلامی نیز بر همین اساس می‌توانند در هر مورد بر صورتی که خود مجنی علیه دارای نقشی در جنایت است، استفاده شوند. با وجود این، فقط در دو ماده ۵۲۷ و ۵۲۸ ق.م. ۹۲۱ در بحث تصادم، مستقیماً به نقش مجنی علیه پرداخته شده است، یعنی حالتی که مباشرین متعدد موجب ورود جنایت بر یکدیگر شوند که از موارد اجتماع مباشرین به صورت عرضی است (محسنی و ملکوتی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۰). تصادم پیش از سال ۹۲ نیز موادی از قانون را به خود اختصاص داده بود. ماده ۴۰ قانون دیات سال ۶۱ و نیز مواد ۳۳۵ و ۳۳۶ ق.م.ا سال ۷۰ به این موضوع اختصاص داشت. در این مواد، مقنن بدون در نظر گرفتن شرایط حاکم بر جنایت و میزان تقصیر طرفین یا تأثیر فعل آن‌ها در وقوع جنایت، فقط قائل به توزیع مسئولیت به طور مساوی بود. برخی پژوهشگران این موضوع را متأثر از نفوذ تفکرات فلسفی در اندیشه حقوقی می‌دانند که موجب شد در دوره‌ای،

نظریه برابری شرایط و اسباب قدرت گیرد (فلاح مظلومی، ۱۳۹۶، ص ۲۴۱). با این حال، بعدها در ماده ۵۲۷ ق.م. ۹۲۱ مقرر داشت:

”هر گاه دو نفر بر اثر برخورد بی واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آن‌ها در برخورد، مساوی باشد، در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هر کدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آن‌ها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیای دم او بپردازند.“

از این ماده و مفهوم مخالف آن برمی‌آید که برخلاف گذشته و نیز برخلاف سایر مواد مربوط به اشکال دیگر رابطه استنادی که حکم به توزیع مساوی مسئولیت می‌کند، «میزان تأثیر» ملاک ضمان در این فرض است. با این حال، ماده ۵۲۸ ق.م. ۹۲۱ به طور متعارضی، با نادیده انگاشتن میزان تأثیر، ضمان را به تساوی توزیع کرده است و مقرر می‌دارد:

”هر گاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آن‌ها کشته شوند یا آسیب ببینند، در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هر یک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند، هر یک از رانندگان مسئول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود و هر گاه یکی از طرفین مقصر باشد، به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است“^۳ (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۳، ص ۴۱۰).

این در حالی است که نه روشن است مراد از «برخورد بی واسطه» در ماده ۵۲۷ تصادم دو پیاده است یا تصادم به نحو مباشرت، و نه واضح است که علت اختلاف میان حکم دو ماده ۵۲۷ و ۵۲۸ با وجود مشابهت آن‌ها چیست؟ این در شرایطی است که ماده ۵۲۷ برخلاف متن تحریرالوسیله

۳. با این حال در برخی موارد در صورت وجود قوانین خاص، میزان تقصیر و نظریه کارشناس را می‌پذیرد. در این زمینه بنگرید به صورت جلسه نشست قضایی تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۰۳ برگزار شده توسط استان کرمان/ شهر عنبر آباد.

است (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۶۰۱) و اگر این مخالفت به پشتوانه استدلالی صورت گرفته باشد، چرا به فرض مذکور در ماده ۵۲۸ تسری نیافته است؟

البته این تعارض به دو ماده فوق منحصراً نیست و در سایر مواد مربوط نیز دیده می شود. علی رغم این که قانونگذار در ماده ۵۲۶ ق.م.ا. ۹۲۱ در فرض اجتماع سبب و مباشر توزیع مسئولیت بر اساس میزان تأثیر مداخله کنندگان را به این شرح می پذیرد: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به طور مساوی ضامن می باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت، هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آن ها باشد، فقط سبب، ضامن است»، اما جای تعجب است که در اجتماع اسباب به صورت طولی موضوع ماده ۵۳۳ و عرضی موضوع ماده ۴۵۳، ضامن نسبی پذیرفته نشده است^۴ و این زمینه ساز مشکلاتی زیادی خواهد بود. برای مثال، اگر ۱۰ قطره سم موجب مرگ کسی شود و شخصی ۹ قطره از آن را در غذای الف بریزد و خود الف نیز یک قطره سم بریزد و بر اثر مصرف آن غذا بمیرد، با وجود امکان تصور تأثیر متفاوت مرتکبان، تشخیص حکم آن با مشکلاتی مواجه است.

گذشته از اقسام شرکت در جنایت، خصوصاً اشتراک در جنایت به طور مشخص در تحولات قانون مجازات اسلامی مسیر متفاوتی پیموده است. قانونگذار در سال های ۶۱ و ۷۰ در بابی تحت عنوان «اشتراک در جنایت» به این موضوع پرداخته و با کافی دانستن انتساب، مسئولیت را بالسویه میان اطراف تقسیم کرده است. با این حال، در قانون مجازات ۹۲، یک بار در ماده ۴۵۳ از عبارت «اشتراک در جنایت» استفاده کرده است:

” هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایت موجب دیه گردند، حسب مورد هر یک از شرکا یا عاقله آن ها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است.“

۴. نک: نظریه مشورتی شماره ۶۴۹/۴۰۲/۷: «ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ناظر آن است که دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جرم شوند و با توجه به صراحت ماده مذکور، شرکا، هرچند تأثیر رفتار آنان متفاوت باشد، به طور مساوی ضامن می باشند...»

اما مشخص نیست قانون‌گذار منظور از اشتراک را دقیقاً چه حالتی اراده کرده است؟ آیا واقعاً مراد سهم داشتن مجنی علیه در جنایت است یا این عبارت به اشتباه به جای شرکت در جنایت به کار رفته است؟ البته در هر دو فرض، ضمان را به طور مساوی تقسیم می‌کند. لازم به ذکر است که با وجود تأکید ماده بر اشتراک در جنایت موجب دیه، این ماده در نظریات مشورتی شماره ۱۴۰۰/۷/۱۲۱۸ و ۶۴۹/۱۴۰۲/۷، درباره قاعده کلی «اصل تساوی مسئولیت» مورد استناد قرار گرفته است. علاوه بر این، چنان‌که گذشت، در دو فرض اجتماع سبب و مباشر، ماده ۵۲۶ و نیز اجتماع مباشری، ماده ۵۲۷ نیز میزان تأثیر را مطرح کرده است و از این طریق رگه‌هایی از تقصیر را می‌پذیرد.^۵ نکته مهم آن است که مقنن در این دو ماده نه از باب اشتراک در جنایت، بلکه تحت عنوان موجبات ضمان مواد مربوط را مطرح می‌کند و این خود نشانگر تغییر رویکرد وی در مسئله است که به طور توجه‌برانگیزی آن را به مسائل مربوط به مسئولیت مدنی نزدیک کرده است. شاهد مطلب این‌که پیش از تصویب این قانون نیز رویه عملی در این مورد با استفاده از ملاک ذیل ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹) بر اساس میزان تأثیر جاری بود. البته این‌که ملاک میزان تأثیر باشد یا تقصیر، خود نیازمند مباحث تحلیلی جداگانه است.

ردپای قوانینی که بر تقسیم مساوی مسئولیت میان مرتکبان در اشتراک در جنایت تصریح دارند، در رویه قضایی نیز مشهود است. برای مثال، در خصوص پرونده‌ای در ورامین به شماره دادنامه ۱۴۱۳/۲۲۲۳۰۹۹۷۰ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۰۴ درباره موضوع شرکت در جنایتی که مطابق رأی دادگاه بدوی، کارفرما بر اساس گزارش پزشکی قانونی به میزان ۷۰٪ مقصر دانسته شده بود، دادگاه تجدیدنظر استان تصریح کرد که هرچند طبق نظریه بازرس کار، مصدوم تنها به میزان ۳۰٪ در حادثه مقصر بوده است، با این حال، وفق ماده ۴۵۳، مسئولیت باید مساوی تقسیم شود و بنابراین کارفرما تنها به ۵۰٪ از دیات و ارزش‌های موصوف در دادنامه محکوم می‌گردد. از طرفی، در پرونده دیگری که در آن‌جا نیز متوفاً نقشی در وقوع حادثه دارد، نظریه مشورتی

۵. نک: نظریه مشورتی شماره ۲۵۴/۹۳/۷: «... در صورت انطباق فرض مطروحه با شرایط ماده ۵۲۶ قانون مازالذکر، میزان تأثیر هر یک از عوامل بر اساس نظریه کارشناس که مورد وثوق دادگاه بوده و منطبق با اوضاع و احوال قضیه باشد صورت می‌پذیرد و به هر صورت، نظریه کارشناس طریقت دارد نه موضوعیت. ضمناً چنانچه نیاز به اخذ توضیح از کارشناس و تکمیل نظریه باشد، از سوی دادگاه استعلام لازم معمول و با توجه به ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ در صورت اقتضا و نیاز به بررسی فنی دقیق‌تر، از هیئت کارشناسان استفاده خواهد شد».

به شماره ۱۷۷/۹۹/۷ ضمن تأکید ابتدایی بر تقسیم مساوی مسئولیت بر اساس ماده ۴۵۳، به استناد قسمت دوم ماده ۵۲۶ اعلام می‌دارد که در صورت تأیید نظریه کارشناسی، هر یک از عوامل به میزان تأثیر رفتارشان مسئول‌اند. این موضوع مورد تأیید هیئت عالی در نشست قضایی مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۸ نیز قرار گرفته است، به این شرح که با مقدمات دوازده‌گانه استدلال شده است ماده ۵۲۶ می‌تواند به عنوان یک اصل موافق با قواعد مسلم حقوقی دانسته شده و بر اساس آن، ماده ۵۲۸ نیز به مواردی انصراف پیدا کند که میزان تقصیر و مسئولیت مساوی باشد. این در حالی است که اداره حقوقی در بند ۳ نظریه شماره ۱۵۸۴/۱۴۰۰/۷ اعلام می‌دارد که ماده ۵۲۶، ناظر به رفتار مرتکبان جنایت (مسبب و مباشر) غیر از مجنی علیه است. همچنین نظر هیئت عالی مستند به نظریه مشورتی شماره ۲۹۳۱/۹۷/۷ نیز بر همین امر تصریح دارد.

همچنین اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۲۳۵۳/۹۷/۷ مورخ ۱۳۹۷/۷/۱۵ اعلام می‌دارد در فرضی که کسی دیگری را تعقیب کند و آن شخص به منظور نجات جان خود فرار کند و حین فرار بر اثر برخورد با اتومبیل به رانندگی ثالث فوت نماید، در صورت احراز رابطه علیت میان رفتار مباشر (راننده) با جنایت، راننده ضامن است، که بر اساس آن، توزیع مسئولیت کفیری بر مبنای تقصیر و رابطه علیت میان رفتار و نتیجه حاصله انجام شده است.

نظریه مشورتی شماره ۱۷۱۶/۹۶/۷ مورخ ۱۳۹۶/۷/۲۴ حاوی دو فرض است: نخست این‌که در حادثه رانندگی بین دو خودرو که منجر به صدمه بدنی گردیده است، یکی از راننده‌ها ۱۰٪ و یکی ۹۰٪ مقصر باشد، و فرض دوم این‌که در حادثه ناشی از کار منجر به صدمه بدنی، کارشناسان کارفرما را ۸۰٪ و کارگر را ۲۰٪ مقصر تشخیص دهند. بر اساس این نظریه، در فرض اول، به استناد ماده ۵۲۸ ق.م.ا در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، صرف نظر از میزان تقصیر، هر یک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرشینیان هر دو وسیله نقلیه می‌باشد و رأی وحدت رویه شماره ۷۱۷-۱۳۹۰/۱۲/۶ نیز مؤید این نظر است. در فرض دوم نیز چنانچه کارفرما و کارگر هر دو به نحو مباشرت یا هر دو به نحو تسبیب، موجب وقوع جنایت گردند، به گونه‌ای که جنایت مستند به رفتار هر دو باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند و الا اگر یکی از عوامل به مباشرت (مثلاً کارگر) و عامل دیگر به تسبیب در وقوع جنایت تأثیر داشته باشد و جنایت مستند به رفتار آنان باشد (اجتماع مباشر و سبب) موضوع مشمول ماده ۵۲۶ قانون مجازات

اسلامی ۱۳۹۲ خواهد بود که تشخیص مصداق و تطبیق آن با قانون در هر مورد به عهده قاضی رسیدگی کننده است.

بنابراین، هرچند میزان تقصیر در قانون و رویه قضایی اجمالاً مورد پذیرش قرار گرفته است و این رویکرد با اصلاحات قانونی و نیز تفاسیر دقیق رفته رفته قوت می گیرد، اما همچنان وجود برخی تعارضات در مواد، موجب چنددستگی و تشتت آرا گشته است. افزون بر این که در ادامه، تحلیل خواهد شد و رای پذیرش میزان تقصیر، این که کسی بر خود جنایت وارد کند یا بر دیگری، خود می تواند معیاری برای کشف و تعیین دقیق تر مسئولیت باشد. لذا سیاست متناقض قانون گذار در صور مختلف مربوط همچنان قابل چشم پوشی نیست. البته این سیاست ها در پیش نویس لایحه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۹ تا حد زیادی همسو شده است، به طوری که در تمام اقسام رابطه استنادی، ضمان سهمی نسبت به مسئولیت پذیرفته شده است. تحقیقات در این زمینه نشان می دهند که نظریه ضمان سهمی از مبانی فقهی و حقوقی برخوردار است (بختیاری، ۱۳۹۹، ص ۶۹-۸۲) که هرچند پرداختن به آن از بحث این پژوهش خارج است، اما رویکرد قانون گذار از این جهت قابل تقدیر است و تا حدود زیادی مشکلات را حل می کند. البته تعیین معیاری ضابطه مند برای میزان تأثیر، خود مسئله ای نیازمند توجه است. چنان که گفته شد، توجه قانون گذار به مسئله تحت عنوان ضمان، صرف نظر از مبانی آن، مسئولیت کیفری را با مسئولیت مدنی پیوند می دهد. البته پر واضح است که این دو با وجود شباهت ها، تفاوت های اساسی با یکدیگر دارند. از میان این تفاوت ها آنچه اهمیت بیشتری دارد این است که در مسئولیت مدنی تمام موضوع جبران ضرر وارده است، لذا این جبران را هر فردی می تواند انجام دهد، در حالی که در مسئولیت کیفری، تحمل مجازات توسط شخص دارای موضوعیت است (باریکلو، ۱۴۰۲، ص ۲۴). چه بسا برخی حقوق دانان از این بحث فراتر رفته اند و اساساً معتقدند همچنان که ضمان اموال از حوزه مسئولیت کیفری بیرون است، ضمان نفوس هم از نوع مسئولیت کیفری محسوب نمی شود (میرسعیدی، ۱۳۹۰، ص ۴۸). با توجه به این که نظام حاکم بر جبران خسارت، نظام مبتنی بر اعاده مدنی است، از این حیث با مفاهیم حقوق مدنی و به طور ویژه «نظریه تعامل متقارن» مرتبط می شود. لذا مفاهیم خواننده و زیان دیده در این نظریه می توانند با مفهوم جانی و مجنی علیه، البته در قسمت مربوط به جبران خسارت ناشی از جنایت، پیوند یابند. یافته های برگرفته از حقوق کیفری ایران در این حوزه، بستر لازم

برای تطبیق با مبانی فقهی و نظریه تعامل متقارن را مهیا می‌سازد و امکان تحلیل مزجی را در ادامه فراهم می‌نماید.

۳. نظریه تعامل متقارن؛ چیستی، مصادیق و ایرادات بر آن

اعتبار یا عدم اعتبار میزان تقصیر در حقوق اروپایی و کامن‌لا به لحاظ تاریخی بحثی ریشه‌دار است. این موضوع که از مباحث جدی مسئولیت مدنی است، اغلب ذیل تعدد اسباب مطرح می‌شود. حقوق روم و کامن‌لا نظریه «تقصیر مشارکتی»^۶ را در فرضی مطرح می‌کنند که خود زیان‌دیده نیز در ایراد خسارت با خواننده همراه است (The Group of Authors, 1993: p. 1). در گذشته نظریه‌ای تحت عنوان «همه یا هیچ»^۷ در این باره اعمال قدرت می‌کرد که مطابق آن فقط یک طرف مسئول شمرده می‌شد. اما این نظریه به تدریج نقد شد و در نهایت، جای خود را به نظریه «تقصیر نسبی»^۸ با رویکرد «دیدگاه تعامل متقارن»^۹ داد که مطابق آن برای شناسایی میزان تقصیر طرفین باید از معیار معقول و واحدی نسبت به آن‌ها استفاده کرد و مسئولیت بر اساس آن توزیع گردد. این دیدگاه به سرعت شهرت یافت، تا جایی که اصول اروپایی مسئولیت مدنی نیز در ماده ۸:۱۰۱ آن را پذیرفت.^{۱۰} بر اساس دیدگاه تعامل متقارن، در شرایطی که عمل واحدی از دو طرف صادر شده باشد و با فرض یکسان بودن سایر عناصر، مسئولیت باید میان طرفین دعوی به صورت مساوی تقسیم می‌شد.

با این حال، آورده‌های مطالعات بزه‌دیده‌شناسی^{۱۱} نشان می‌داد که مواجهه یکسان با رفتار بزهکار و بزه‌دیده در برخی موارد از عدالت و انصاف فاصله می‌گیرد. این موضوع باعث شد

6. Contributory negligence

7. All-or-Nothing Rule

8. Comparative fault

9. Symmetry approach

10. Art. 8:101. (1) Liability can be excluded or reduced to such extent as is considered just having regard to the victim's contributory fault and to any other matters which would be relevant to establish or reduce liability of the victim if he were the tortfeasor. (2) Where damages are claimed with respect to the death of a person, his conduct or activity excludes or reduces liability according to para. 1. (3) the contributory conduct or activity of an auxiliary of the victim excludes or reduces the damages recoverable by the latter according to para. 1.

۱۱. از این نظر می‌توان زیان‌دیده و بزه‌دیده بودن را از جهت وجه جبران خسارتی آن نظیر هم دانست.

تا اندیشه تعامل متقارن در عمل رو به تعدیل گذارد و حتی در مواردی کنار گذاشته شود. بنابراین دادگاه‌های آمریکایی - انگلیسی در شرایط مساوی، گاه «معیار ذهنی»^{۱۲} را نسبت به زیان دیده بیش از مقصر اعمال می‌کردند (483 [1978] RTR Condon v Condon)، گاه با به رسمیت شناختن «واکنش آنی»^{۱۳}، در شرایطی که زیان دیده باعث ایجاد وضعیتی شده که مقصر مرتکب تقصیر شود، از معیار سهل‌گیرانه‌تری برای تعیین تقصیر وی استفاده می‌شد (Simons, 2015: p. 37)، و گاه نیز با در نظر گرفتن معیار «صرف بی‌توجهی»^{۱۴}، به شرایطی توجه داشتند که بی‌توجهی زیان دیده نقش مؤثری در بروز حادثه داشته است (Deakin, Johnston, & Marke- sinis, 2001: p. 756). البته این نکته نیز از دید دادگاه‌ها مغفول نمانده بود که در مواردی به‌رغم تقصیر محرز زیان دیده، به دلایلی مسئولیت کامل جبران خسارت با مقصر است، نظیر آن‌که او صریحاً موظف به مراقبت از زیان دیده باشد^{۱۵} (Dobbs, 2001: p. 33-39) یا آن‌که زیان دیده به دلیل صدمه قبلی نیاز به مراقبت داشته و مقصر به مراقبت پزشکی وی متعهد می‌شود،^{۱۶} یا در مواردی که زیان دیده هیچ تکلیفی ندارد^{۱۷} و لذا تقصیر او تأثیری در مسئولیت مقصر نخواهد داشت.^{۱۸} علاوه بر این‌ها در مواردی نیز با وجود تقصیر محرز خواننده، رأی دادگاه رد دعوی جبران خسارت بود، مانند آن‌که زیان دیده در جریان رفتاری غیرقانونی یا قابل سرزنش اخلاقی، صدمه ببیند^{۱۹} (The Group of Authors, 2001: p. 14).

بر اساس آنچه گفته شد، محاکم انگلستان و آمریکا در صورت مواجهه با شرایط مذکور، از

12. Subjective Standard

13. The Agony of Moment

14. Mere Inattentiveness Doctrine

۱۵. مثل مسئولیت کامل پرستاری که برای مراقبت از بیمار آلازیمیری استخدام شده و بیمار به‌صورت عمدی یا غیرعمدی به خود آسیب رسانده است، که در این صورت، از تقصیر زیان دیده چشم‌پوشی می‌شود.

۱۶. مثلاً شخص با رانندگی پرخطر اتومبیل خود را واژگون کرده است و در بیمارستان به دلیل کوتاهی در عملکرد پزشک آسیب جدی به وی وارد شود. در این شرایط نمی‌توان به تقصیر مقدماتی خواهان و متعاقب آن تقصیر مشارکتی استناد نمود.

17. plaintiff no duty

۱۸. مثلاً شخصی بر اساس حقوق شهروندی خود به منطقه جرم خیز برود و مورد آسیب قرار گیرد. در چنین حالتی، مسئولیتی متوجه وی نیست، زیرا اشخاص تکلیفی در پیشگیری از بزه‌دیدگی خود ندارند. البته این دیدگاه بر اساس قاعده اقدام می‌تواند مورد خدشه قرار گیرد.

۱۹. مثل سارق که در مسیر فرار از پلیس به علت سرعت غیرمجاز دچار سانحه شود.

رویه غالب خود که تعامل متقارن با طرفین است عدول می‌کنند. این امر پژوهشگران را به فکر واداشته است که با وجود استثنائات زیاد برای عدول از دیدگاه اصلی، آیا همچنان در نظر گرفتن تقصیر طرفین به عنوان دو مفهوم مشابه، عادلانه است؟ حقیقت آن است که در بسیاری موارد، عمل به این دیدگاه و توزیع مساوی مسئولیت پذیرفتنی است، مثل شرایطی که حادثه، «اتفاقی» یا بر اثر «حواس پرتی» همه افراد، مثلاً در تصادفی زنجیره‌ای، رخ می‌دهد. اما موارد زیادی نیز وجود دارد که اعمال معیار تعامل متقارن، تفاوت‌های میان رفتار زیان‌دیده و مقصر را که در شرایط مساوی بودن سایر عناصر، تنها به شخصیت آن‌ها مرتبط است، با ابهام مواجه می‌کند، مثلاً زمانی که راننده خودرو بر اثر حواس پرتی به عابری که او نیز به خاطر حواس پرتی بی‌پروا از عرض خیابان عبور می‌کند برخورد نماید، نمی‌توان مسئولیت ناشی از فعل این دو را که در مورد عابر رفتار پرخطر تنها خودش را تهدید کرده²⁰ و در مورد راننده باعث ایجاد خطر برای دیگران هم شده است،²¹ مساوی دانست. لذا صرف نظر از تحمل ضرر توسط زیان‌دیده، نکته مهم آن است که کدام طرف می‌توانسته است اقدامات احتیاطی بهتری برای پیشگیری از بروز حادثه انجام دهد. بنابراین اعمال معیار یکسان نسبت به دو طرف نباید از تفاوت میان آن‌ها چشم‌پوشی کند (The Group of Authors: 2009, p. 123).

البته چه بسا ابتدائاً بی‌طرفی در نگرش به طرفین امری منصفانه به نظر برسد و ادعا شود که مواردی چون فراموشی، بی‌مهارتی، خیال‌بافی، بی‌مبالاتی، بی‌توجهی و... به خودی خود خطرناک‌اند، اعم از این‌که برای خود فرد خطرآفرین باشند یا دیگران و بر این اساس تقصیر اخلاقی و قانونی یکسانی را متوجه مرتکب می‌کنند، اما چنین استدلالی از یک سو، شدت و قلمرو افعال را نادیده می‌گیرد. برای مثال، خطرات غفلت رانندگان بسیار شدیدتر و گسترده‌تر از عابران است. از سوی دیگر نیز یکسان‌سازی سایر عوامل مؤثر در تعیین میزان تقصیر مثل انگیزه، زمینه‌ای که زیان‌دیده از آن مطلع بوده و... را به فراموشی می‌سپرد، زیرا اساساً امکان این یکسان‌سازی وجود ندارد. به این ترتیب، به نظر می‌رسد مسئله به سادگی پاسخ به این پرسش نیست که فعل ارتكابی صرفاً برای عامل آن خطرآفرین بوده یا دیگران را هم تهدید کرده است؟

20. Self-Risk case

21. Risk to Other Case

علاوه بر این‌ها نقدهای دیگری نیز بر نظریه تعامل متقارن وارد است. افرادی که از دیدگاه اقتصادی به قواعد حقوقی می‌نگرند و آن‌ها را با منطق هزینه-فایده می‌سنجند، معتقدند تقصیر طرفین به لحاظ صرف هزینه و کسب منفعت، به‌رغم وجود برخی مشابهت‌ها دو الگوی مستقل را دنبال می‌کنند. همچنین گفته می‌شود گاه شخص با خطری که برای خود ایجاد می‌کند منفعتی را کسب می‌نماید که این منفعت برای دیگری بی‌معناست. لذا این دیدگاه از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر نیست. از دیدگاه اخلاقی نیز انتقاداتی متوجه این نظریه می‌شود، به این توضیح که «هنجارهای اخلاقی درون شخصی»^{۲۲} با هنجارهای قانونی که بر رفتار مخاطره‌آمیز اعمال می‌شوند متفاوت‌اند و از این جهت، هنگام مساوی بودن سایر شرایط، انتظار می‌رود ایجاد خطر برای خود کمتر از ایجاد آن برای دیگران قابل سرزنش باشد. همچنین فردی که با غفلت خود جان ۱ نفر را به خطر می‌اندازد، کمتر از راننده اتوبوسی با ۴۰ سرنشین، سرزنش می‌شود. بنابراین رفتار زیان‌دیده در تعیین حدود مشروعیت طلب خسارت تأثیرگذار است (شهباز قهفرخی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۵-۱۴۱).

در مجموع به نظر می‌رسد به‌رغم این‌که نظریه تعامل متقارن به عنوان دیدگاهی غالب در حقوق کاملاً پذیرفته شده است، اما اشکالاتی متوجه آن است که حتی با وجود استثنائات متعدد، اعمال این نظریه را با مشکل مواجه می‌سازد و قانون را در عمل از عدالت دور می‌کند. بنابراین اگرچه ممکن است تصور شود گذار از مسئول شمردن تنها یک طرف و یا توزیع مساوی مسئولیت میان طرفین و سپس معتبر شمردن میزان تقصیر مشکل را حل می‌کند، اما پرسش بعدی این است که آیا در صورت یکسان بودن همه عناصر، نفس مشارکت زیان‌دیده در فعل ارتكابی، می‌تواند به مثابه یک ملاک در توزیع مسئولیت اثرگذار باشد؟ با توجه به آنچه گفته شد، پاسخ به این پرسش مثبت است، هرچند سامان دادن نظریه‌ای جامع در تعیین دقیق میزان تقصیر با در نظر گرفتن هویت زیان‌دیدگی یا غیر آن، پژوهش‌های دیگری می‌طلبد.

نتیجه‌گیری

اشتراک در جنایت یعنی شرایطی که خود مجنی‌علیه هم سهمی در وقوع جنایت دارد، علاوه بر آن‌که در اقسام شرکت در جنایت قابل تصور است، به‌طور مشخص نیز مثال‌های متعددی در

22. Interpersonal moral norms

میان روایات فقهی دارد، مثلاً فرض تصادم دو پیاده، تصادم دو سواره، یا هنگامی که ۱۰ نفر در حال پرتاب سنگ با منجنیق اند، ولی سنگ روی یکی از آن‌ها می‌افتد و می‌میرد، یا چند نفر در حال تخریب دیوارند و دیوار روی یکی می‌ریزد و جنایتی بر او وارد می‌شود. در این روایات، بدون در نظر گرفتن میزان تقصیر، طرفین بالتساوی ضامن دانسته شده‌اند. این در شرایطی است که به طور مثال در تصادفات که بارزترین و مبتلابه‌ترین مثال اشتراک در جنایت است، به وفور دیده می‌شود که میزان تقصیر واقعاً یکسان نیست. قانون مجازات اسلامی ۹۲ به جز دو مورد، به تبعیت از قول مشهور در فقه، مسئولیت را به مساوات تقسیم می‌کند. یکی از آن دو مورد فرض اجتماع سبب و مباشر موضوع ماده ۵۲۶ است و مورد دوم موضوع ماده ۵۲۷ است که البته روشن نیست مراد اجتماع مباشری است یا تصادم دو پیاده. به هر صورت، این موضوع از دید پژوهشگران مغفول نمانده و تلاش آنان موجب شده است تا در پیش نویس لایحه قانون مجازات ۱۳۹۹، ضمان سهمی در همه صور رابطه استنادی پذیرفته شود. با این حال، مسئله حل نشده همچنان تعریف معیار برای تعیین میزان تقصیر است. به عنوان عاملی تأثیرگذار در این ملاک، پژوهش حاضر فرضی را مطرح می‌کند که همه عناصر فعل طرفین در اشتراک در جنایت یکسان است و به تبع مسئولیت بالتساوی تقسیم می‌گردد. در حالی که به نظر می‌رسد خود ارتکاب جنایت توسط مجنی علیه خصوصیتی دارد که به لحاظ نگرش‌های اقتصادی نسبت به جرم، از جمله منطق هزینه-فایده، سطح سرزنش‌پذیری از منظر نظریات اخلاقی، انگیزه‌های مرتکب، میزان تقصیر بر اساس به خطر انداختن خود یا دیگران و مواردی از این دست، بر تعیین میزان تقصیر اثرگذار است.

چنین نتیجه‌ای با توجه به مطالعه تطبیقی اشتراک در جنایت با نظریه تعامل متقارن در باب مسئولیت مدنی به دست آمده، زیرا بحث از ضمان در اشتراک در جنایت این دو مقوله را به هم نزدیک کرده است. البته باید توجه داشت که نظریه تعامل متقارن در حقوق کیفری ایران به مسئله توزیع مسئولیت میان جانیان بر اساس سهم هر یک در تحقق جنایت مربوط می‌شود. لذا برخلاف دیدگاه‌های مدنی که بر عدالت قراردادی تأکید دارند، این نظریه در حقوق کیفری با هدف تعادل در مجازات و جبران خسارت طراحی شده است.

به این ترتیب، از یک سو با توجه به انتقاداتی که بر نظریه تعامل متقارن وارد است و از سوی دیگر، با توجه به این که مفهوم زیان دیده در این نظریه با مجنی علیه در اشتراک در جنایت به هم نزدیک می‌شود، به نظر می‌رسد توجه به شخصیت مجنی علیه هنگام توزیع مسئولیت در

فرض اشتراک در جنایت موضوعی حائز اهمیت است. بنابراین اگر پذیرش ضمان سهمی در اشتراک در جنایت را گام نخست قانون‌گذار در نظر بگیریم، اعمال تفاوت میان مجنی علیه و طرف یا اطراف دیگر جنایت در این فرض گام بعدی است. البته دقت در این مسئله می‌تواند دایره این ایده را محدود کند، با این توضیح که مفروض در آن، آگاهی مجنی علیه در ایراد جنایت بر خود است. این مفهوم با جنایت عمدی در حقوق کیفری منطبق می‌شود. البته در فرض ناآگاهی یعنی جنایات غیرعمدی نیز می‌توان ملاحظات را در نظر گرفت، چون در چنین شرایطی هم امکان احتیاط بیشتر و مراقبت از خود برای مجنی علیه وجود داشته است. هرچند در بیان فقها به جای میزان تقصیر، از میزان تأثیر سخن رفته است که این خود تا حدودی مشکلات را حل می‌کند، زیرا می‌توان ملاحظات مربوط به ایراد جنایت بر خود توسط مجنی علیه را در آن نهفته دید. با این حال، حتی اگر از میزان تأثیر هم تبعیت کنیم، همچنان لازم است تا هنگام تعریف ملاکی ضابطه‌مند برای آن، به شخصیت مجنی علیه که در اشتراک در جنایت در کنار دیگران بر خود جنایتی وارد آورده است، با تفکیک صور جنایات عمدی و غیرعمدی از نظر سطح آگاهی مجنی علیه نسبت به جنایت توجه نماییم. در نهایت پیشنهاد می‌شود که قانون و رویه قضایی به نحوی توسعه یابد که سهم مسئولیت هر طرف به صورت عادلانه و بر اساس تأثیر واقعی هر یک بر وقوع جنایت تعیین شود.

فهرست منابع

۱. ابن‌ادریس، محمد بن احمد. (۱۴۱۰ق). **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**. قم: دفتر نشر اسلامی.
۲. ابن‌جنید، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). **مجموعه فتاوی ابن‌جنید**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. اردبیلی، محمدعلی. (۱۴۰۳ش). **حقوق جزای عمومی**. تهران: میزان.
۴. آقایی‌نیا، حسین. (۱۴۰۲ش). **جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص**. تهران: میزان.
۵. باریکلو، علیرضا. (۱۴۰۲ش). **مسئولیت مدنی**. تهران: میزان.
۶. بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹ق). **القواعد الفقهیة**. قم: نشر الهادی.
۷. بختیاری، علیرضا. (۱۳۹۹ش). **تحولات رابطه استنادی در حقوق کیفری ایران با تأکید بر پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی (ره). تهران.
۸. بهجت فومنی، محمدتقی. (۱۳۸۵ش). **جامع المسائل**. قم: دفتر آیت‌الله‌العظمی بهجت (ره).
۹. تبریزی، جواد. (۱۴۲۸ق). **تتقیح مبانی الأحکام**. کتاب‌الذیات. قم: دار الصدیقة الشهیدة.
۱۰. حسینی عاملی، جواد بن محمد. (بی‌تا). **مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۱. حسینی، رحیم. (۱۳۹۹ش). **بررسی میزان ضمان راننده در رابطه با آسیب‌های بدنی ناشی از تصادفات**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. رشت.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۷ق). **نهاية الوصول إلى علم الأصول**. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۳. خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۹۲ش). **تحریر الوسيلة**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۴. خوانساری، احمد. (۱۴۰۵ق). **جامع المدارک فی شرح المختصر النافع**. قم: اسماعیلیان.
۱۵. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۶ق). **صراط النجاة**. قم: نشر المنتخب.
۱۶. خوئی، سید ابوالقاسم. (الف). (۱۴۲۲ق). **مبانی تکملة المنهاج**. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۱۷. خوئی، سید ابوالقاسم. (ب). (۱۴۲۲ق). **مصباح الاصول**. (تقریر محمد سرور واعظ حسینی بهسودی). قم: داوری.
۱۸. خوئی، سید ابوالقاسم. (بی‌تا). **مصباح الفقاهة**. (تقریر محمدعلی توحیدی). قم: داوری.
۱۹. روحانی، محمدصادق. (۱۳۸۲ش). **زبدة الأصول**. تهران: حدیث دل.
۲۰. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). **مذهب الأحکام**. قم: مؤسسه المنار.
۲۱. شهباز قهفرخی، سجاد. (۱۳۹۹ش). **تبیین و نقد نظریه «تعامل متقارن» در تعیین میزان تقصیر زیان‌دیده و خواننده دعوی در مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر. مجله حقوقی دادگستری**. ۸۴ (۱۱).
- ۳۱-۱۴۸. <https://doi.org/10.22106/rlj.2020.119696.3137>
۲۲. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). **مسالك الأفهام**. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
۲۳. شیخ صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). **من لا یحضره الفقیه**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۵. صادقی، محمد هادی. (۱۴۰۱ش). حقوق جزای اختصاصی (۱)؛ جرایم علیه اشخاص. تهران: میزان.
۲۶. صانعی، یوسف. (۱۳۸۴ش). استفتائات قضایی (کلیات قضا- جزائیات). تهران: میزان.
۲۷. صدر، سید محمد باقر. (الف). (۱۴۰۸ق). بحوث فی علم الأصول، (تقریر سید محمود هاشمی شاهرودی). قم: مجمع الشہید آیت الله الصدر العلمی.
۲۸. صدر، سید محمد باقر. (ب). (۱۴۰۸ق). مباحث الأصول، (تقریر سید کاظم حسینی حائری). قم: نشر اسلامی.
۲۹. صفایی، سید حسین. (۱۴۰۲ق). دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها. تهران: میزان.
۳۰. طباطبائی، سید علی. (۱۴۱۲ق). ریاض المسائل. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳۱. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر نشر اسلامی.
۳۲. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب. (۱۴۱۷ق). کشف الرموز فی شرح المختصر النافع. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۱۶ق). القواعد الفقهية. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
۳۴. فاضل مقداد، جمال الدین. (۱۴۰۴ق). التنفیح الرائع لمختصر الشرایع. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۳۵. فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۶. فخرالمحققین، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ش). إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: اسماعیلیان.
۳۷. فلاح مظلومی، حسین. (۱۳۹۶ش). بررسی نحوه تسهیم خسارت در عاملین متعدد در قانون مجازات اسلامی. در: همایش ملی تحولات مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران؛ چالش‌ها و راهکارها (چکیده تفصیلی)، (به کوشش محسن شریفی). تهران: میزان.
۳۸. قاسم زاده، مرتضی. (۱۳۸۷ش). مبانی مسئولیت مدنی. تهران: میزان.
۳۹. قدسی، سید ابراهیم؛ نوروزی، شهروز. (۱۳۹۶ش). نسبت سنجی مسئولیت رانندگان بر پایه درجه تقصیر آنان. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۴ (۱۳)، ۳۳-۵۶.
۴۰. کاشف الغطاء، محمد حسین. (۱۳۵۹ق). تحریر المجلة. نجف: المكتبة المرتضوية.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۴۲. کمپانی اصفهانی، محمد حسین. (۱۴۰۹ق). الإجارة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۳. محسنی، فرید؛ ملکوتی، نصیر. (۱۳۹۴ش). رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. مجله حقوقی دادگستری، ۷۹ (۹۱)، ۱۳۵-۱۶۰. <https://doi.org/10.22106/lj.2015.15719>
۴۴. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعیلیان.

۴۵. محمدی کمرسخ، اکرم. (۱۳۹۴ش). تحولات تقسیم مسئولیت مدنی در تصادفات رانندگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز. تهران.
۴۶. محمدی، سید باقر. (۱۳۹۷ش). میزان مسئولیت‌های حقوقی در تعدد اسباب از نگاه فقه اهل‌بیت (ع) و حنفیه و حقوق ایران و افغانستان. رساله دکتری، (استاد راهنما: سید حسن وحدتی شیرزی). جامعة المصطفی العالمیه، مدرسه عالی فقه تخصصی.
۴۷. مدنی کاشانی، آقا رضا. (۱۴۰۸ق). کتاب الدیات. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۸. مرادی، حسن. (۱۳۹۶ش). جرایم علیه اشخاص (جنایات). تهران: میزان.
۴۹. مصطفوی، سید حسن. (۱۴۲۶ق). التحقيق في كلمات القرآن الكريم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۰. مصطفوی، سید محمدکاظم. (۱۴۲۱ق). مائة القاعدة الفقهية. قم: انتشارات اسلامی.
۵۱. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (بی‌تا). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: نشر اسلامی.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ق). القواعد الفقهية. قم: مدرسه امیرالمؤمنین.
۵۳. منصورآبادی، عباس. (۱۴۰۲ش). حقوق جزای عمومی (۱). تهران: میزان.
۵۴. موی کشکی، فریبا. (۱۳۹۷ش). مسئولیت کیفری نسبی در صورت اجتماع اسباب از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات و علوم انسانی. تبریز.
۵۵. میرسعیدی، منصور. (۱۳۹۰ش). مسئولیت کیفری؛ قلمرو و ارکان، (جلد اول). تهران: میزان.
۵۶. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۴۰۳ش). حقوق جزای اختصاصی (۳)؛ جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص. تهران: میزان.
۵۷. نائینی، محمدحسین. (۱۳۷۸ش). فوائد الأصول. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۸. نجفی، محمدحسن. (۱۴۱۲ق). جواهرالکلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
59. *Condon v Condon* (1978). RTR 483. Available at: https://www.guildhallchambers.co.uk/files/Contributory_Negligence_Workshop2_Julian_Benson_Scenarios_PI_Def_Seminar_June_2013.pdf
60. Deakin, Simon & Johnston, Angus & Markesinis, Basil (2001). *Tort Law*. Oxford University Press.
61. Dobbs, Dan B (2001). *the Tort of Law*. West Group Publishing: New York.
62. Simons, Kenneth W (2015). Victim Fault and Victim Strict Responsibility in Anglo-American Tort Law. *Journal Tort Law*; 8(1-2), 29–66. <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2199069>
63. The Group of Authors. (1993). *Contributory Negligence as a Defense in Contract*. the Law Commission, No. 219.

- 64.The Group of Authors. (2001). The Illegality Defense in Tort. *the Law Commission Consultation Paper*, No. 160.
- 65.The Group of Authors. (2009). *Restatement (Third) of Torts: Liability for Physical and Emotional Harm*. American Law Institute.

